

در جست و جوی معنا

چگونه زندگی کنیم؟

در جست‌وجوی معنا

چگونه زندگی کنیم؟

أَسْوَالدُ هَنْفَلِیْنِیْغ

ترجمه
امیرحسین خداپرست
غزاله حجتی



نشرکردن

برای اردشیر منصوری:
جوینده معنا، آموزنده معنا
(مترجمان)

یادداشت دبیر مجموعه

فکورتین انسان‌ها اعتقاد داشته‌اند که انسان بودن انسان به فکر است و انسان هرچه زندگی را بیشتر به فکر کردن بگذرانند بهره بیشتری از انسان بودن دارد و هرچه کمتر و کمتر به این فعالیت شریف مشغول باشد به دیگر هم‌جنسان خود - که همان حیوانات عزیز باشند - نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. این اعتقاد، اگر حقیقت محض هم نباشد، دور از حقیقت نیست.

اما واقعاً از میان حیوانات فقط / انسان می‌تواند فکر کند؟ پاسخ مثبت دادن به این پرسش هم جهالت می‌خواهد هم جسارت؛ و نویسنده از اولی هرچه بخواهید دارد، از دومی نه. پدیده‌ای به اسم «فکر کردن»، و چیزی به اسم «فکر»، پیچیده‌تر از آن (شده) است که بتوان به سادگی حکمی درباره‌اش صادر کرد. این طور که پیداست، حتی فعالیت‌هایی که بیش از هر فعالیت دیگری انسان را از هم‌جنسانش متمایز می‌کند و جوهی حیوانی هم دارد؛ فکر کردن فقط حاصل جنبه‌های اختصاصی انسان نیست، بلکه وابسته به جنبه‌های مشترک او با سایر حیوانات نیز هست. حداکثر چیزی که عجلتاً می‌توان جسارت کرد و گفت این است که برخی از گونه‌های فکر کردن اختصاص به انسان دارند و سایر حیوانات را به حریم‌شان راهی نیست.

ولی کدام گونه‌های فکر کردن اختصاص به انسان دارند؟ شاید «فلسفه» اولین گونه‌ای باشد که به ذهن برسد؛ فلسفه: انتزاعی‌ترین شیوه فکر کردن و لابد از همین رو خالص‌ترین و غیرحیوانی‌ترین شیوه. و حال آیا واقعاً شیوه یکسانی وجود دارد که آن را، و فقط آن را، باید «فلسفه» نامید؟ اگر نه جهالت تاریخی، انحصارطلبی و تمامت‌خواهی فکری و فلسفی لازم است تا به این پرسش پاسخ مثبت بدهیم. فلسفه‌ورزی شیوه‌های گوناگونی داشته است و به تناسب همان شیوه‌ها وارد حیطه‌ها و موضوعات مختلف شده است؛ و، به اقتضای آزاداندیشی فلسفی نیز که شده، باید تنوع روشی و موضوعی را در فلسفه‌ورزی به رسمیت شناخت و قدر نخله‌ها و مکاتب مختلف و بعضاً مخالف را دانست.

اما فکر فلسفی، با همه تنوعش و همه شرافتش، البته که یگانه شیوه فکر کردن نیست و حاصل فعالیت فکری انسان صرفاً در آثار فلسفی بروز نیافته است. آیا ارزش بسیاری از آثار ادبی، از این حیث، کمتر از ارزش مهم‌ترین آثار

فلسفی است؟ توجه به این نکته خصوصاً برای ما ایرانیان اهمیت دارد، آن هم به دو دلیل: اول اینکه تفکر نیاکان نیک‌اندیش ما عمدتاً در آثار غیرفلسفی بروز یافته است - به رغم سنت فلسفی دیرپا و نسبتاً غنی و پویایی که داشته‌اند؛ و اگر ما طالب فکر هستیم، نباید از آثار غیرفلسفی و خصوصاً ادبی‌مان غافل بمانیم. دوم اینکه در دهه‌های اخیر - خوشبختانه - رغبت فراوانی به فلسفه و آثار فلسفی نزد ما وجود داشته است؛ و اگر ما حقیقتاً طالب فکر هستیم، نباید فلسفه‌دوستی ستایش‌برانگیز ما به فلسفه‌زدگی تبدیل شود و موجب غفلت از دیگر شیوه‌های فکری و سایر حیطه‌های علوم انسانی باشد.

باری، انسان فکر می‌کند و به همه‌چیز هم فکر می‌کند - حتی اگر در این کار از پس همه‌چیز برنیاید و در نهایت به این نتیجه برسد که برخی چیزها اساساً خارج از قلمرو فکر او هستند. انسان به این هم فکر می‌کند که زندگی‌اش - حتی زندگی فکورترین انسان - صرفاً به فکر کردن نمی‌گذرد و نمی‌تواند هم بگذرد، و زندگی‌اش خیلی بیش از آنچه تصور می‌کرده شبیه زندگی هم‌جنسان عزیز است؛ و صد البته که انسان بودن او، و فرقی با آنها، از جمله به همین هم هست که این شباهت را نیز تشخیص می‌دهد. انسان به همه‌چیز فکر می‌کند و زندگی انسان و جنبه‌ها و حیطه‌های مختلف این زندگی - از جمله حیوانی‌ترین‌شان - از چیزهایی است که انسان مدام درباره‌اش فکر کرده است. و مگر نباید چنین باشد؟ ضروری‌تر از زندگی خود انسان برای فکر کردن او چیست، و اگر قرار باشد فکر انسان (با همه جلوه‌هایش، از جمله فلسفه) به کار زندگی خودش نیاید، دیگر قرار است به چه کاری بیاید؟

مجموعه «فکر و زندگی» نتیجه چنین نگاهی به فکر انسان و نسبتش با زندگی اوست. آثاری که در این مجموعه منتشر خواهد شد هم منعکس‌کننده تفکر درباره زندگی انسان و جنبه‌ها و حیطه‌های مختلف آن است، هم به خواننده کمک می‌کند به اندیشه‌هایش جهت ببخشد، بهتر فکر کند و - شاید - به زندگی خود سامانی بدهد و آن را بهتر بگذراند.

فهرست

۵	یادداشت مترجمان
۷	مقدمه
۱۳	فصل اول: رنج
۱۵	۱. «ما درد را احساس می‌کنیم اما بی‌دردی را نه»
۱۹	۲. «نوسان میان درد و ملال»
۲۳	۳. آیا برخی زندگی‌ها بدتر از برخی دیگرند؟
۲۶	۴. ارزش رنج
۲۸	۵. نتیجه
۲۹	فصل دوم: هدف
۳۰	۱. پرسش «چرا؟»: وسایل و اهداف
۳۴	۲. «هدف دیگر جذاب نیست»
۳۸	۳. از چشم اوزیماندياس
۴۱	۴. چرخه بی‌پایان نسل‌ها
۴۳	۵. رفتن و رسیدن
۴۷	۶. آیا زندگی پوچ است؟
۵۱	۷. علاج طبیعت
۵۴	۸. زندگی هدفدار و بدیل‌های آن

۶۳	-----	فصل سوم: خدا
۶۳	-----	۱. انسان بی‌اهمیت
۶۹	-----	۲. هدف خدا و مسئله‌ شر
۷۶	-----	۳. زندگی پس از مرگ
۷۹	-----	۴. معنا و تقویم دینی

۸۱	-----	فصل چهارم: مرگ
۸۳	-----	۱. آیا مرگ پایان راه است؟
۸۸	-----	۲. تسلائی طبیعت
۹۳	-----	۳. آن‌گاه که مرگ درمی‌رسد
۹۵	-----	۴. مرگ و دیگر صورت‌های نبودن
۱۰۱	-----	۵. مرگ و خوبی زندگی
۱۰۹	-----	۶. مرگ و میل به زندگی
۱۱۵	-----	۷. نتیجه: معنای مرگ

۱۱۷	-----	فصل پنجم: ارزش زندگی
۱۱۷	-----	۱. «تقدس» زندگی
۱۲۸	-----	۲. ارزش انسان و دیگر موجودات

۱۴۱	-----	فصل ششم: خودشکوفایی
-----	-------	---------------------

۱۴۷	-----	فصل هفتم: طبیعت
۱۴۷	-----	۱. باغ عدن
۱۴۹	-----	۲. «انسان مصنوعی و عواطف تصنعی»
۱۵۵	-----	۳. پیش از زبان، پس از زبان
۱۶۱	-----	۴. «آیا باید جوامع را برانداخت؟»
۱۶۳	-----	۵. ارزش طبیعت

۱۶۹	-----	فصل هشتم: هومو ساپینس
۱۶۹	-----	۱. «حیوان سیاسی»
۱۷۳	-----	۲. زندگی عقلانی
۱۸۰	-----	۳. زندگی محققانه
۱۸۴	-----	۴. زندگی زیبایی‌شناختی
۱۸۸	-----	۵. لذت‌های «والا تر»
۲۰۰	-----	۶. زندگی اخلاقی
۲۰۴	-----	۷. مردان و زنان
۲۱۳	-----	۸. نتیجه

۲۱۷	-----	فصل نهم: خوشبختی و میل
۲۱۷	-----	۱. میل و ارضا
۲۲۱	-----	۲. امیال بالفعل و بالقوه
۲۲۸	-----	۳. میل و «اصل بیشترین خوشبختی»
۲۳۴	-----	۴. خوشبختی و حقیقت
۲۳۸	-----	۵. خوشبختی و وظیفه

۲۴۷	-----	فصل دهم: من کی‌ام؟
۲۴۷	-----	۱. فرد و جامعه
۲۵۲	-----	۲. «انسان خود را می‌سازد»
۲۵۸	-----	۳. آزادی و دلیل
۲۶۶	-----	۴. صادق بودن با خود
۲۶۸	-----	۵. محدودیت‌های دلیل
۲۷۲	-----	۶. هومو لودنس
۲۸۳	-----	نمایه

یادداشت مترجمان

در جست‌وجوی معنا، همچون معنای زندگی، نوشته‌گرت تامسون^۱، به لطف و توصیه‌ی استاد مصطفی ملکیان ترجمه شده است. پیشنهاد استاد این بود که می‌توان با ترجمه‌ی این دو کتاب، مخاطب فارسی‌زبان را با دو متن مهم تحلیلی و ساده، و در عین حال جامع و عمیق، درباره‌ی معنای زندگی آشنا کرد. اینک ما خوشحال‌ایم که توصیه‌ی ایشان محقق شده است و می‌توانیم سهمی در این آشنایی داشته باشیم. در جست‌وجوی معنا به لحاظ مضمون اشتراک‌های زیادی با معنای زندگی دارد اما در مقایسه با آن، کمتر بر دانش فلسفی خواننده تکیه می‌کند؛ از این رو، قدری ساده‌تر است و مخاطب عام خوانندگانش را آسان‌تر می‌یابد. از سوی دیگر، بخش دوم کتاب نه به پرسش از معنای زندگی بلکه به این پرسش اختصاص یافته است که «چگونه باید زندگی کرد؟»؛ و این پرسشی است که طرح و بررسی‌اش این کتاب را به طور خاص از کتاب گرت تامسون متمایز می‌کند.

نویسنده‌ی کتاب، فیلسوف آلمانی، اُسوالد هِنفَلینگ (۱۹۲۷-۲۰۰۵)، بیشتر عمر خود را به تحقیق و تدریس فلسفه در انگلستان گذراند. او بیشتر از اندیشه‌های ویتگنشتاین متأخر تأثیر پذیرفته بود و نشان‌های این تأثیر در در جست‌وجوی معنا آشکار است. به گواهی پایگاه اینترنتی کتابخانه ملی ایران، از مجموعه آثار او تاکنون این کتاب‌ها به فارسی ترجمه شده‌اند: چستی هنر (ترجمه علی رامین، هرمس: ۱۳۸۱)؛ این کتاب ترجمه‌ی بخش نخست مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی

۱. تامسون، گرت، معنای زندگی، ترجمه غزاله حجتی و امیرحسین خداپرست، تهران: نگاه معاصر، چاپ اول: ۱۳۹۴.

فلسفی، ویراسته هنفلینگ، است)، فلسفه و زیان روزمره^۱ (ترجمه محمود رافع، گام نو: ۱۳۸۳) و ای. جی. اثر^۲ (ترجمه بهرام اسدیان، کوچک: ۱۳۸۰).
در اینجا، وظیفه خود می‌دانیم که از دوست عزیزمان دکتر مالک حسینی تشکر کنیم که زحمت ویرایش و اصلاح این ترجمه را بر عهده گرفت و ضمن کاستن از خطاها، بر دقت و شیوایی آن فراوان افزود.

امیرحسین خداپرست

غزاله حجتی

مهرماه ۱۳۹۵

-
1. *Philosophical Aesthetics: An Introduction* (1992)
 2. *Philosophy and Ordinary Language* (2000)
 3. *Ayer* (1999)